

مطالعه تطبیقی شرایط فسخ بیع با تأکید بر مفاهیم نقض اساسی در CISG و اختیارات در حقوق ایران

محسن جعفری بهزادکلانی

استادیار، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

mohsenjafari@pnu.ac.ir

چکیده

فسخ قرارداد بیع، به عنوان نهایی‌ترین ضمانت اجرای نقض تعهدات، موجب انحلال و توقف کامل اجرای آن می‌شود. کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (CISG) در مواد ۴۹ و ۶۴، فسخ را منوط به نقض اساسی یا عدم اجرای تعهد در مهلت اضافی دانسته و بدین ترتیب بقای قرارداد را بر انحلال ترجیح داده است. در حقوق ایران نیز فسخ امری خلاف اصل بوده و قانون مدنی بر اجرای عین قرارداد تأکید دارد. این نوشتار با روش تطبیقی-تحلیلی و با بررسی آرای قضایی، شرایط فسخ بیع را در CISG تحلیل و با حقوق ایران تطبیق می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که دو نظام در استثنایی دانستن فسخ اشتراک دارند، اما از دو جهت با یکدیگر تفاوت اساسی می‌یابند؛ نخست آن که پذیرش مفهوم نقض اساسی در حقوق ایران پیش‌بینی نشده است و دوم آن که لزوم اعلام فسخ به عنوان شرط نفوذ در کنوانسیون در حالی است که حقوق ایران اعلان را شرط نمی‌داند. نوآوری مقاله در دو سطح ارائه شده است؛ ارائه یک تست چهارمرحله‌ای عملی برای شناسایی نقض اساسی در نظام حقوقی ایران که دادگاه‌ها بدون نیاز به تغییر قانون می‌توانند از آن به عنوان راهکار فوری استفاده کنند؛ و پیشنهاد دو ماده اصلاحی قانون مدنی شامل الحاق ماده ۲۳۸ مکرر و اصلاح ماده ۴۰۲ مبتنی بر الگوی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا به عنوان راهکار ساختاری بلندمدت. این دو سطح پیشنهاد در کنار یکدیگر به یکسان‌سازی رویه قضایی و رفع خلأ تقنینی در حقوق ایران کمک شایانی خواهند کرد.

واژگان کلیدی: فسخ، نقض اساسی، مهلت اضافی، اختیارات، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا.

فسخ قرارداد به عنوان ضمانت اجرای قوی و نهایی، نقشی حیاتی در تعدیل روابط قراردادی و جبران خسارات ناشی از عدم اجرای تعهدات ایفا می‌کند. در تجارت بین‌الملل، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مصوب ۱۹۸۰ وین (CISG) چارچوبی جامع برای هماهنگ‌سازی مقررات بیع‌های فرامرزی ارائه نموده است. در این کنوانسیون، فسخ قرارداد^۱ که در مواد مختلفی از جمله ۲۵، ۴۹، ۶۴ و ۷۳ مورد اشاره قرار گرفته، راه‌حلی استثنایی تلقی می‌شود و اصل بر حفظ و اجرای قرارداد است. محور اصلی اعطای این حق استثنایی، وقوع نقض اساسی قرارداد توسط یک طرف است که در ماده ۲۵ CISG با معیارهای نسبتاً عینی‌تری نسبت به بسیاری از نظام‌های حقوق داخلی تعریف شده و چراغ راهنما برای تفسیر مواد بعدی، به ویژه شرایط فسخ از سوی خریدار (ماده ۴۹) و فروشنده (ماده ۶۴) است.

در مقابل، نظام حقوقی ایران که ریشه در فقه غنی امامیه و قانون مدنی دارد، اگرچه فسخ را در قالب اختیارات به رسمیت شناخته و آن را ضمانت‌اجرای نهایی نقض تعهدات می‌داند، اما فاقد تعریف صریح و معیارهای عینی برای مفهوم هم‌تراز نقض اساسی است و عمدتاً بر اساس تفسیر قضایی، دکترین حقوقی و قواعدی مانند تخلف از شرط یا لاضرر شکل گرفته‌اند.

این پژوهش با تمرکز بر این مسئله بنیادین، در پی آن است تا با رویکردی تطبیقی-تحلیلی، شرایط اعمال حق فسخ بیع، با محوریت «نقض اساسی تعهدات» در دو نظام حقوقی ایران و کنوانسیون وین را واکاوی نماید. سؤال محوری این است که وجوه اشتراک و افتراق این دو نظام در شناسایی مصادیق نقض اساسی و شرایط اعمال فسخ چیست و رویه قضایی هر کدام چگونه این مفاهیم را تفسیر و اجرا می‌کند؟ فرضیه اصلی مقاله بر این مبناست که علی‌رغم اشتراک در نگاه استثنایی به فسخ، فقدان تعریف قانونی و معیارهای عینی در حقوق ایران در مقایسه با رویکرد نظام مند و متکی بر انتظارات مشروع در CISG، منجر به چالش‌هایی در روابط تجاری بین‌المللی و حتی داخلی شده است.

بررسی پیشینه نشان می‌دهد تحقیقات موجود عمدتاً توصیفی، تک‌جانبه (متمرکز بر خریدار)، فاقد تحلیل کاربردی از رویه قضایی و نهادهای مهمی چون مهلت اضافی، اعلام فسخ و امکان اعاده کالا (ماده ۸۲) بوده و به ارائه پیشنهادها اصلاحی عملیاتی نپرداخته‌اند. در پاسخ به این شکاف، نوآوری مقاله در دو سطح راهکار به‌هم‌پیوسته ارائه شده است: سطح نخست (اقدام فوری قضایی) طراحی یک تست چهارمرحله‌ای عینی (اساسی بودن تعهد، شدت محرومیت، قابلیت پیش‌بینی، امکان جبران) که محاکم ایران بدون نیاز به تغییر قانون می‌توانند از هم‌اکنون برای تشخیص موارد نقض اساسی و یکسان‌سازی رویه استفاده کنند. سطح دوم (اقدام بنیادین تقنینی) برای رفع دائمی خلأ، دو پیشنهاد اصلاح قانون مدنی (الحاق ماده ۲۳۸ مکرر و اصلاح ماده ۴۰۲) مبتنی بر الگوی CISG است. بدین ترتیب، مقاله حاضر برای نخستین بار در ادبیات حقوقی ایران، چارچوبی پلکانی و منسجم ارائه می‌دهد که هم نیاز فوری نظام قضایی را تأمین نموده و هم چشم‌انداز اصلاح دائمی قانون را ترسیم می‌نماید. بر این اساس، مقاله در دو بخش اصلی به ترتیب شرایط فسخ از سوی خریدار و فروشنده را بررسی و سپس الگوی عملی تشخیص نقض اساسی در ایران را ارائه می‌دهد.

۱- اعمال حق فسخ از سوی مشتری

در کنوانسیون ۱۹۸۰، فسخ قرارداد جانشین انفساخ شده^۲ و موارد آن محدود به نقض اساسی یا عدم تسلیم مبیع در مهلت اضافی تعیین‌شده توسط مشتری است (هرچند نقض اساسی صورت نگرفته باشد).

^۱ Avoidance

^۲ جمعی از نویسندگان، تفسیر بر حقوق بیع بین‌المللی (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۴)، ۲۰۲.

رویکرد کنوانسیون مبتنی بر حفظ قرارداد و ممانعت از فسخ،^۳ با هدف کاهش مراجعه به دادگاه و حفظ جریان تجارت همسو است؛^۴ رویکردی که با غالب نظام‌های حقوق داخلی (از جمله ایران) که فسخ را جنبه استثنایی می‌دانند، هماهنگی دارد.^۵ در حقوق ایران، حق فسخ امری خلاف اصل و استثنایی است و برای اعمال آن نیاز به حکم قضایی نیست؛^۶ چرا که مطابق مواد ۲۳۷ تا ۲۳۹ قانون مدنی، درخواست اجرای عین قرارداد، اولین ضمانت اجرا و فسخ، آخرین راه جبران ضرر است،^۷ هر چند در مواردی مانند خیار تأخیر ثمن مذکور در ماده ۴۰۲ قانون مدنی، قانونگذار حق فسخ فوری را برای بایع پیش بینی نموده است. بر اساس ماده ۴۹ کنوانسیون، خریدار در دو صورت حق فسخ دارد: وقوع نقض اساسی یا عدم تسلیم مبیع در مهلت اضافی تعیین شده. اعمال این حق مشروط به رعایت مهلت معقول و امکان اعاده کالا در وضعیت اولیه (ماده ۸۲) است.

۱-۱- نقض اساسی قرارداد^۸

ماده ۲۵ کنوانسیون در بیان شرایط تحقق نقض اساسی قرارداد، مقرر داشته است: نقض قرارداد توسط یکی از متعاهدین در صورتی نقض اساسی به حساب می‌آید که باعث ورود چنان خسارتی به طرف قرارداد گردد که موجب محرومیت اساسی او از آنچه استحقاق انتظار آن را به موجب قرارداد داشته شود جز در صورتیکه شخص ناقض عهد، نتیجه مزبور را پیش بینی نکرده و البته شخصی متعارف همانند او نیز در اوضاع و احوالی مشابه، امکان پیش‌بینی آن را نمی‌داشت. در تعریف نقض اساسی طبق ماده ۲۵ کنوانسیون، دو معیار محرومیت اساسی متعهدله از آنچه می‌توانسته است طبق قرارداد انتظار داشته باشد و قابلیت پیش‌بینی این نتیجه برای طرف نقض کننده در زمان انعقاد قرارداد، تعیین کننده است.

با توجه به ابهام موجود در مفهوم نقض اساسی مذکور در ماده ۲۵ کنوانسیون، برخی صاحب‌نظران قائلند که آن چه در این خصوص با اهمیت جلوه می‌نماید کمیت ضرر نیست، بلکه ضرر باید از لحاظ کیفی مهم باشد و این امر با رجوع به قرارداد، مشخص می‌شود.^۹ این تفسیر کیفی با رویکرد کنوانسیون که هدفش حفظ قرارداد در حد امکان و محدود کردن موارد فسخ است، همسو می‌باشد.^{۱۰} شورای مشورتی کنوانسیون با ارائه معیارهایی مانند هدف خرید کالا و قابلیت جبران نقض بدون زحمت و تأخیر غیرمعقول برای خریدار، تلاش نموده تا تشخیص نقض اساسی را عینی‌تر سازد.^{۱۱}

نظر به تعبیر برخی اساتید مبنی بر ضرورت محرومیت زیان‌دیده از مورد استحقاق و نیز قابل پیش‌بینی بودن خسارت از سوی ناقض قرارداد،^{۱۲} ماده ۸ کنوانسیون ملاک و معیار تشخیص را وضع شخص متعارف با توجه به شرایط و اوضاع و احوال مرتبط فارغ از امکان توافق متعاقدیت می‌داند.^{۱۳}

^۳. Audit, la vente International de merchandises, (Paris: L.G.D.J, 1990), 129.

^۴ خیری جبر، علی و سید محمد مهدی قبولی درافشان و اعظم انصاری، «چگونگی اعمال فسخ در فرض نقض تعهدات قراردادی در کنوانسیون بیع بین الملل ۱۹۸۰، حقوق ایران و حقوق عراق»، (فصلنامه مطالعات بین المللی، ۳، ۱۳۹۷): ۸۹. Doi.org/10.22034/isj.2018.89600

^۵ سید حسین صفایی و محمود کاظمی و مرتضی عادل و اکبر میرزائزاد، حقوق بیع بین المللی (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۲)، ۱۷۹.

^۶ ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، جلد پنجم (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۳)، ۴۹؛ خیری، «چگونگی اعمال فسخ در فرض نقض تعهدات قراردادی در کنوانسیون بیع بین الملل ۱۹۸۰، ۱۰۹.

^۷ ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، جلد سوم (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷)، ۲۲۰.

^۸-fundamental breach

^۹ صفایی، حقوق بیع بین المللی، ۱۷۹.

^{۱۰} خیری، «چگونگی اعمال فسخ در فرض نقض تعهدات قراردادی در کنوانسیون بیع بین الملل ۱۹۸۰، ۹۲.

^{۱۱} اسدی، محمدمهدی، «فسخ قرارداد به عنوان طریق جبرانی در کنوانسیون بیع بین المللی کالا»، (مجله تمدن حقوقی، ۱۳، ۱۴۰۱).

doi:10.22034/LC.2023.160272.۳۶

^{۱۲} جان او هانولد، حقوق متحدالشکل بیع بین المللی کالا طبق کنوانسیون ۱۹۸۰ ملل متحد (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۴)، ۲۴۱.

اما ماده ۲۵ در خصوص زمان پیش بینی خسارت توسط شخص ناقض عهد، هیچ اشاره ای ننموده و آن را به سکوت وا گذاشته است؛ که این امر موجب شده برخی نظر به ماده ۱۰ قانون متحدالشکل بیع بین المللی، زمان انعقاد قرارداد را موثر دانسته و برخی دیگر پیش بینی ضرر در زمان نقض را ملاک عمل قرار دهند.^{۱۴} البته دیدگاه اخیر با توجه به تحولات پس از انعقاد قرارداد که ممکن است انتظارات طرفین را تغییر دهد، منطقی تر به نظر می رسد. بار اثبات این امر که خسارات وارده به طرف متضرر، توسط طرف ناقض قرارداد، پیش بینی شده بودند یا اساساً قابل پیش بینی بوده اند یا خیر نیز با قید کلمه « مگر...» در ماده ۲۵، بر عهده ناقض قرارداد قرار گرفته است.^{۱۵}

در رویه قضایی ایران نیز گاه به معیار قابلیت پیش بینی توجه شده است. دیوان عالی کشور در رأی شماره ۱۴۰۱۱۳۹۲۰۰۰۸۰۰۲۹۰، با رد ادعای قوه قاهره (تحریم های بین المللی) یک شرکت واردکننده خودرو، استدلال کرد که با توجه به تحریم های چندین ساله علیه ایران، امکان پیش بینی تحریم ها از سوی تجار وجود داشته و شرط غیرقابل پیش بینی بودن قوه قاهره مخدوش است. این رأی نشان می دهد دادگاه های ایرانی بار اثبات عدم قابلیت پیش بینی را بر عهده مدعی قوه قاهره (ناقض قرارداد) می دانند؛ رویکردی همسو با ماده ۲۵ کنوانسیون.^{۱۶}

در یک نمونه رأی از دادگاه شهر تودلا اسپانیا (۲۰۰۵)،^{۱۷} خریدار به دلیل تأخیر در تحویل و عملکرد معیوب ماشین آلات، پس از اعطای مهلت اضافی و عدم رفع عیب، فسخ قرارداد را خواستار شد. دادگاه با احراز نقض اساسی، فروشنده را به بازپرداخت قیمت و حذف ماشین آلات محکوم کرد. این رأی نشان می دهد نقص فنی ماشین آلات که هدف قرارداد را مختل می سازد، می تواند نقض اساسی محسوب شود.^{۱۸}

تفسیرگران کنوانسیون مواردی مانند عدم تسلیم مبیع یا تأخیر در تسلیم، امتناع از ایفای تعهد تسلیم، عدم امکان تسلیم مبیع، تسلیم کالا بدون انطباق مادی و نیز حقوقی را از موارد نقض اساسی متعهد دانسته اند.^{۱۹} در حقوق ایران، فروشنده موظف به تسلیم کالای منطبق با قرارداد است؛^{۲۰} حتی در سکوت قرارداد، تناسب کالا با هدف متعارف خرید، جزء شروط ضمنی محسوب می شود. با این حال، در حقوق ایران مفهومی معادل نقض اساسی به طور صریح پیش بینی نشده و رویه قضایی عمدتاً بر مبنای خیار تخلف از شرط (مواد ۲۳۴ و ۲۳۷ ق.م.) یا قاعده لاضرر عمل می کند که لزوماً با معیارهای عینی کنوانسیون همخوانی ندارد. همچنین، به تبعیت از فقه اسلامی، اصل بر امکان درخواست انجام عین قرارداد بوده و خریدار می تواند در صورت عدم انجام تعهد از سوی متعهد، تقاضای الزام به اجرای عین قرارداد نماید.^{۲۱} بنابراین، گرچه جنبه استثنایی فسخ در هر دو نظام پذیرفته شده، اما حقوق ایران فاقد مفهوم نهادینه شده نقض اساسی است.^{۲۲}

¹³ peter schlechtriem , Commentary on the UN convention on the International sale of goods (Oxford: university press oxford, 1998), 178.

¹⁴ schlechtriem, Commentary on the UN convention on the International sale of goods, 180

¹⁵ هانولد، حقوق متحدالشکل بیع بین المللی کالا طبق کنوانسیون ۱۹۸۰ ملل متحد، ۲۴۴

¹⁶ <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/43779>

¹⁷ juzgado de primera instancia-Tudela

¹⁸ <https://www.unilex.info/cisg/case/1381>

¹⁹ schlechtriem, Commentary on the UN convention on the International sale of goods, 417-420

²⁰ ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی عقود معین جلد اول (تهران: نشر گنج دانش، ۱۳۷۸)، ۱۶۹.

²¹ محمدحسن نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام (تهران: دارالکتب اسلامی، ۱۳۶۵)، ۲۱۸-۲۱۹.

²² - برای مطالعه بیشتر و ملاحظه نظرهای موافقین و مخالفین در حقوق ایران ر ش : یداله عزیزاده « حق فسخ ناشی از نقض قرارداد، مطالعه تطبیقی»،

رساله دکتری، ۱۳۸۴؛ دکتر سید حسین صفایی، نعمت اله الفت - اجرای اجباری عین تعهد و تقدم آن بر حق فسخ، ۱۳۸۹.

البته در سطح روابط خصوصی، طرفین می‌توانند با تکیه بر اصل حاکمیت اراده (ماده ۱۰ ق.م. و الهام از معیارهای ماده ۲۵ کنوانسیون، شروط اساسی را در قرارداد خود تعریف کنند. اما این راهکار خصوصی و موردی، خلأ عمومی نظام حقوقی را برطرف نمی‌کند و نمی‌تواند به یکسان‌سازی رویه قضایی بینجامد.

۱-۲- عدم تحویل مبیع در مهلت اضافی که از سوی خریدار تعیین شده است

این مورد، مبنای دوم فسخ قرارداد توسط مشتری است که در ماده ۴۷ کنوانسیون پیش‌بینی شده است. بند ۱ ماده ۴۷ مقرر می‌دارد: خریدار می‌تواند جهت اجرای تعهدات باع، مهلت زمانی اضافی و معقولی تعیین نماید.

مهلت زمان اضافی مقرر، در قالب اعلامیه ای تنظیم شده و برای خریدار حق فسخی پدید می‌آورد که او را از اثبات این امر که عدم اجرای تعهد در مدت اضافی مقرر، نقض اساسی محسوب می‌شود معاف می‌سازد؛ به عبارتی با وجود اینکه چنین امری شاید نقض اساسی محسوب نگردد ولی در کنار آن موجب ایجاد حق فسخ می‌گردد.

بر این اساس وجود شرایط ذیل برای ایجاد حق فسخ ضروری می‌باشد:

الف- مبیع به خریدار تسلیم نشده باشد. ب- مطابق بند ۱ ماده ۴۷، خریدار مهلتی اضافی برای تسلیم مبیع به باع داده باشد. ج- باع در مهلت مزبور مبیع را تسلیم ننموده و یا قصد خود مبنی بر عدم تسلیم مبیع را اعلام نماید.^{۲۳}

برخی مفسران معتقدند تسلیم کالای غیرمنطبق نیز نوعی تسلیم محسوب می‌شود، بنابراین در صورت تسلیم کالای غیرمنطبق، حتی با اعطای مهلت، حق فسخی ایجاد نخواهد شد.^{۲۴}

همچنین با توجه به تصریح ماده ۳۰ کنوانسیون به تمایز تسلیم مبیع از انتقال مدارک مبیع و البته امکان استناد به مقررات ماده ۴۷ و قسمت ب بند ۱ ماده ۴۹ کنوانسیون در مواردی که اسناد، ابزار انتقال باشند،^{۲۵} در رویه قضایی بین‌المللی، عدم تسلیم اسناد ضروری مانند برنامه تنها در صورتی موجب حق فسخ می‌شود که دسترسی به کالا را ناممکن یا عملاً غیرممکن سازد.^{۲۶}

تعیین مهلت توسط متعهدله از طریق اخطار (شفاهی یا کتبی) صورت می‌گیرد.^{۲۷} ماده ۲۷ کنوانسیون در جهت توزیع خطر از دست رفتن اخطار، مقرر می‌دارد که اخطار با ارسال به آدرس معمولی متعهد، مؤثر محسوب می‌شود، حتی اگر هرگز به دست او نرسد. بنابراین ضرورتی ندارد که عدم تسلیم کالا، نقض اساسی باشد؛ حق فسخ به مصادیق نقض غیراساسی نیز توسعه یافته است، هرچند برخی اساتید آن را «در حکم نقض اساسی» تلقی کرده‌اند.^{۲۸} در مواردی که اوضاع و احوال (مانند نوسانات شدید قیمت) تأخیر در تحویل را نقض اساسی می‌سازد، خریدار می‌تواند بدون اعطای مهلت اضافی (بر اساس قسمت الف بند ۱ ماده ۴۹) قرارداد را فسخ کند.^{۲۹}

در خصوص اعطای مهلت اضافی در حقوق موضوعه، نظر مشهور در فقه امامیه مبتنی بر درخواست الزام مشروط علیه به اجرای تعهد به گونه ابتدائاً و در صورت عدم توفیق، فسخ قرارداد اصلی به گونه استداماً می‌باشد.^{۳۰} این رویکرد که در مواد ۲۳۷ تا ۲۳۹

^{۲۳} صفایی، حقوق بیع بین‌المللی، ۱۸۶.

^{۲۴} schlechtrime, Commentary on the UN convention on the International sale of goods, 421.

^{۲۵} Peter Huber, & Alastair Mullis, The CISG: A New Text Book for Student and Practitioners (European Law Publishers, 2007), 236.

^{۲۶} اسدی، «مجله فسخ قرارداد به عنوان طریق جبرانی در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا»، ۴۰.

^{۲۷} schlechtrime, Commentary on the UN convention on the International sale of goods, 398.

^{۲۸} صفایی، حقوق بیع بین‌المللی، ۱۸۶.

^{۲۹} هانولد، حقوق متحدالشکل بیع بین‌المللی کالا طبق کنوانسیون ۱۹۸۰ ملل متحد، ۳۶۹.

^{۳۰} نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، ۲۱۸-۲۱۹؛ زین‌الدین جبعی‌العالمی (شهید ثانی)، مسالک الافهام فی تفتیح شرایع الاسلام، جلد ۳ (قم):

موسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۴.ق، ۲۷۴؛ محمد باقر سبزواری، کفایه الفقه (قم): انتشارات مهدوی اصفهان، بی‌تا، ۹۷.

قانون مدنی منعکس شده، با این تفاوت که در حقوق ایران قالب حقوقی مشخصی برای اعطای مهلت اضافی به عنوان مبنای مستقل فسخ پیش‌بینی نشده است.^{۳۱}

همچنین در عدم تسلیم مبیع، اکثر اساتید قائل به عدم وجود حق فسخ قراردادی تا زمانی که می‌توان متعهد را ملزم به انجام تعهد خویش توسط خود و یا در مواردی که امکان انجام بوسیله دیگران وجود دارد توسط سایرین و به هزینه متعهد نمود، می‌باشند.^{۳۲} این دیدگاه در عمل ممکن است با مشکلات اجرایی روبرو شود، خصوصاً در قراردادهای بین‌المللی که اجبار به اجرای عین تعهد از طریق مراجع قضایی مختلف دشوار است.

۱-۳- اعلام فسخ

همانگونه که پیشتر بیان گردید، یکی از ابتکارات کنوانسیون ۱۹۸۰، حذف انفساخ می‌باشد که در قانون متحد الشکل بیع بین‌المللی کالا ۱۹۶۴ پیش‌بینی شده بود. در انفساخ، شخص استنادکننده نیازی به اطلاع قبلی طرف مقابل نداشت. (ماده ۲۵ و (۱) ۲۶ قانون متحد الشکل بیع بین‌المللی کالا ULIS). لذا یک طرف ممکن است مجبور به نادیده انگاشتن تصمیم طرف دیگر مبنی بر امتناع از اجرای قرارداد شده و اقدام به اجرای قرارداد نماید.^{۳۳} حذف این نهاد در کنوانسیون ۱۹۸۰ نشان‌دهنده عزم تدوین‌کنندگان بر کاهش بی‌ثباتی در روابط بازرگانی و لزوم شفافیت در انحلال قراردادها است.^{۳۴}

ماده ۲۶ کنوانسیون ۱۹۸۰ عنوان می‌دارد: اعلام فسخ قرارداد صرفاً در صورتی نافذ است که طی یادداشتی به طرف دیگر به عمل آید. اعلام فسخ یک حق یک‌طرفه است و مبنای آن اصل حسن نیت است؛ زیرا فسخ ممکن است تبعات خطرناکی برای طرف دیگر داشته باشد و آگاهی وی از فسخ، امکان اجتناب از خسارت‌های آتی را فراهم می‌کند.^{۳۵} این اطلاع می‌تواند شفاهی و یا کتبی باشد اما باید به وضوح قصد فسخ را منتقل نماید.^{۳۶}

در تقض قابل پیش‌بینی (ماده ۷۲ کنوانسیون)، اعلام فسخ حتی پیش از موعد اجرای تعهد نیز ممکن می‌شود، مشروط بر آن که دلایل جدی و محکمی دال بر وقوع نقض اساسی در آینده وجود داشته باشد.^{۳۷} لذا حکمت این شرط، ارتباط مستقیم با عدم وجود موضوع انفساخ در کنوانسیون است؛ بر این اساس شخصی که حق فسخ دارد باید مراتب را اعلام کند تا طرف مقابل بتواند خطرات و هزینه‌ها را کاهش دهد.^{۳۸} این الزام که برگرفته از اصل حسن نیت در تجارت بین‌المللی (ماده ۷ CISG) است، از تحمیل زیان‌های غیرضروری به طرف نقض‌کننده جلوگیری می‌کند.^{۳۹} فسخ قرارداد با وجود این تشریفات، مستلزم حکم دادگاه نیست.^{۴۰}

^{۳۱} کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، جلد سوم، ۲۲۵.

^{۳۲} محمدجعفر جعفری لنگرودی، حقوق تعهدات، (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۷)، ۲۵۴؛ سیدحسن امامی، حقوق مدنی، جلد ۱، (تهران: کتابفروشی

اسلامیه، ۱۳۹۰)، ۵۶۲-۵۶۳؛ منصور عدل، حقوق مدنی (تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۸۹)، ۲۷۲.

^{۳۳} هانولد، حقوق متحدالشکل بیع بین‌المللی کالا طبق کنوانسیون ۱۹۸۰ ملل متحد، ۲۴۸.

^{۳۴} اسدی، «مجله فسخ قرارداد به عنوان طریق جبرانی در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا»، ۴۲.

^{۳۵} خیری، «چگونگی اعمال فسخ در فرض نقض تعهدات قراردادی در کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰، حقوق ایران و حقوق عراق»، ۹۴.

^{۳۶} Anna Kazimierska, The Remedy of Avoidance under the Vienna Convention on the International Sale of Goods, (New York: Pace essay submission, 1999), 115.

^{۳۷} رفیعی، محمد تقی و منصوره حسینی، «بررسی تطبیقی ضمانت‌های اجرایی نقض قابل پیش‌بینی قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و حقوق ایران»، (مجله مطالعات حقوق تطبیقی، ۲، ۱۳۹۱)، ۵۵. <https://doi.org/10.22059/jcl.2012.32111.55>

^{۳۸} صفایی، حقوق بیع بین‌المللی، ۱۸۸.

^{۳۹} اسدی، «مجله فسخ قرارداد به عنوان طریق جبرانی در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا»، ۴۳.

^{۴۰} Bernard Audit, la vente International de merchandises (Paris: LGDJ, 1990), 131.

در حقوق ایران اجرای حق خیار بر مبنای اصول حاکم بر ایقاعات، با اعلان اراده صورت می‌پذیرد و دادگاه در وقوع فسخ نقشی ندارد. حکم دادگاه در دعوی فسخ، چهره اعلامی داشته و اعتباری مجزا به فسخ نمی‌بخشد. ولی فایده عملی آن در مرحله اثبات است.^{۴۱} لذا ارسال اخطاریه فسخ برای بایع، در حقوق ایران بر خلاف کنوانسیون شرط نفوذ به شمار نمی‌آید. در روبه قضایی ما نیز فسخ هر قرارداد صرفاً با اراده یک جانبه متهدله و صاحب خیار، واقع می‌شود.^{۴۲}

۱-۴- مهلت معقول

مفهوم مدت معقول در کنوانسیون به صورت انعطاف پذیر و با توجه به اوضاع و احوال هر مورد از جمله ماهیت کالا، سهولت کشف نقص و عرف تجاری مربوطه تفسیر می‌شود.^{۴۳} بند ۲ ماده ۴۹ کنوانسیون، اشاره به مهلت اعمال حق فسخ دارد که یکی از شرایط فسخ به شمار می‌آید. در صورتیکه نقض تعهد بایع مربوط به تأخیر در تسلیم مبیع باشد و از این ناحیه برای مشتری حق فسخ ایجاد گردد، باید در مدت معقولی بعد از اطلاع از تحویل کالا، قرارداد را فسخ نماید (قسمت الف بند ۲ ماده ۴۹).^{۴۴} اما در فرض نقض سایر تعهدات بایع، فسخ قرارداد باید مطابق قسمت ب بند اخیر ماده ۴۹ کنوانسیون اعلام گردد:

الف) در مدت معقول پس از آگاهی از نقض قرارداد یا پس از زمانی که می‌بایست آگاهی می‌یافت. ب) در مدت معقول از تاریخ انقضای مهلت اضافی اعطایی به بایع یا تاریخ اعلام بایع مبنی بر عدم قصد رفع عیب (بند ۱ ماده ۴۷) ج) در مدت معقول از تاریخ انقضای مهلتی که فروشنده برای ایفای تعهد خود معین کند یا خریدار اعلام کند ایفای تعهد را قبول نخواهد کرد. (بند ۲ ماده ۴۸)

با انقضای مهلت معقول، مشتری می‌تواند از سایر روش‌های جبرانی مانند دریافت خسارت (بند ۲ ماده ۴۵ کنوانسیون) استفاده کند.^{۴۵} هدف از تعیین مهلت متعارف، مقابله با خریداران سوءنیت است که در زمان افزایش قیمت تمایل به فسخ ندارند، اما در زمان کاهش قیمت مبادرت به فسخ می‌ورزند؛^{۴۶} محدودیتی که در راستای ایجاد قطعیت در روابط تجاری طراحی شده است. به اعتقاد برخی نویسندگان چنانچه محدودیت مدت متعارف و معقول مندرج در بند ۲ ماده ۴۹ وجود نداشته باشد، خریدار احتمالاً می‌تواند تصمیم خود مبنی بر فسخ را تا انقضای مدت مرور زمان مملک به تعویق اندازد، مدتی که بر اساس بعضی از سیستم‌های حقوقی ده سال بوده و در بسیاری موارد بر اساس کنوانسیون ۱۹۷۴ سازمان ملل در خصوص مرور زمان بیع بین المللی کالا، چهار سال می‌باشد.^{۴۷}

در این خصوص رأی از دادگاه آلمان (۱۹۹۵) نقل می‌گردد: فروشنده اثربشی مبلمان با کیفیت را به خریدار آلمانی فروخت. خریدار به دلیل کیفیت پایین، تعمیر را خواستار شد، اما نقص پس از تعمیر نیز باقی ماند و خریدار با ارسال اخطاریه، فسخ قرارداد را اعلام کرد. دادگاه با استناد به نقض اساسی (قسمت الف بند ۱ ماده ۴۹)، فسخ را تأیید کرد و تأخیر ۵ هفته‌ای خریدار در اعلام فسخ را با

^{۴۱} کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها جلد پنجم، ۶۹-۷۰.

^{۴۲} در بخشی از رای مورخ ۲۵ شهریور ۱۳۳۷ شعبه ۴ دادگاه بخش تهران، درباره توقیف عملیات اجرایی و ابطال اجراییه شماره ۱۰۷۰/۱ نسبت به تخلیه هتل مجستیک، چنین آمده است: نظر به اینکه بموجب مستفاد از ماده ۴۴۹ قانون مدنی، فسخ هر قرارداد، در صورتی که شرایط امکان آن محقق شده باشد، صرفاً با اراده یک جانبه مشروط له واقع می‌شود و اظهار نظر دادگاه، بدون آنکه در اصل وقوع موثر باشد، فقط محدود به اعلام تحقق شرایط فسخ و الزام مشروط علیه به نتایج حاصله از آن می‌باشد و بنابراین برای فسخ اجاره، خواننده احتیاجی نداشته که قبلاً موضوع را در محکمه طرح نماید. (نقل از: ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، جلد پنجم، ۱۳۸۳، ص ۷۱)

^{۴۳} اسدی، «فسخ قرارداد به عنوان طریق جبرانی در کنوانسیون بیع بین المللی کالا»، ۴۴.

^{۴۴} Bernard Audit, la vente International de merchandises, 132.

^{۴۵} صفایی، حقوق بیع بین المللی، ۱۸۹.

^{۴۶} خیری، «چگونگی اعمال فسخ در فرض نقض تعهدات قراردادی در کنوانسیون بیع بین المللی ۱۹۸۰، حقوق ایران و حقوق عراق»، ۱۰۱.

^{۴۷} هانولد، حقوق متحدالشکل بیع بین المللی کالا طبق کنوانسیون ۱۹۸۰ ملل متحد، ۳۷۳.

توجه به تلاش ناموفق فروشنده برای تعمیر، معقول تشخیص داد. این رأی نشان می‌دهد که محاکم در تعیین مدت معقول به عواملی مانند رفتار طرفین و انتظارات مشروع خریدار توجه می‌کنند.^{۴۸}

در حقوق ایران، اکثر خیارهای برای جبران ضرر وضع شده‌اند، اما طولانی شدن حق یا معلق ماندن قرارداد، ضرر را مضاعف می‌سازد. قانونگذار اجرای خیارهایی مانند عیب، غبن، تدلیس، رویت و تخلف وصف را «فوری» دانسته است؛ به این معنا که مقصود فوریت ریاضی و فیزیکی نیست، بلکه باید در اولین فرصت و در بازه زمانی که انسان متعارف بی‌درنگ انجام می‌دهد، اعمال گردد.^{۴۹} بر این اساس، فوریت در اعمال خیارهای در حقوق ایران به معنای عدم تأخیر غیرموجه است که با معیار شخص متعارف سنجیده می‌شود. اما در سایر خیارهای فوریت شرط نشده است و چون اصل، بقاء حق و عدم فوریت خیار است، تأخیر در به کار بردن خیار را نمی‌توان موجب سقوط آن دانست، مگر این که قراین حاکمی از اسقاط حق به وسیله صاحب خیار باشد.^{۵۰}

با وجود برخی تفاوتها، هر دو نظام حقوقی ایران و کنوانسیون، در لزوم رعایت مهلت متعارف برای اعمال حق فسخ، اشتراک نظر دارند. هر دو با تأکید بر اصل اعتدال، سوءاستفاده از این حق را محدود می‌سازند. در حقوق ایران نیز مشابه کنوانسیون، مدت معقول با توجه به اوضاع و احوال، مانند نوع کالا (مانند فاسدشدنی بودن) تعیین می‌گردد و تأخیر غیرموجه طولانی، به منزله سقوط حق تلقی می‌شود.^{۵۱}

۱-۵- امکان رد مبیع به فروشنده در همان وضعیت قبلی

مطابق ماده ۸۲ کنوانسیون، اصل امکان اعاده کالا شرط پنجم فسخ توسط خریدار است؛ در صورت عدم امکان استرداد در وضعیت اولیه، حق فسخ ساقط می‌شود. این مانع شکلی دارای استثنائاتی است. عدم امکان استرداد عموماً شامل مواردی است که کالا از نظر عرف دچار تغییر اساسی شده باشد، مانند تلف، نقص شدید یا انتقال به ثالث.^{۵۲} برخی نویسندگان معتقدند معیار همان وضعیت مبتنی بر یک ارزیابی عینی و نوعی است، نه ذهنی و شخصی، و تغییرات جزئی ناشی از بازرسی عادی یا نگهداری متعارف، مشمول این مانع نشده و لطمه‌ای به حقوق خریدار وارد نخواهد ساخت.^{۵۳} این محدودیت منجر به اجحاف مهمی در حق خریدار نمی‌شود، زیرا حتی در صورت عدم امکان فسخ یا الزام فروشنده به ارسال کالای جایگزین، خریدار می‌تواند خسارت ناشی از نقض را مطالبه کند. (مواد ۷۴ تا ۷۶)^{۵۴}

در حقوق ایران برخلاف کنوانسیون، قاعده صریحی مبتنی بر لزوم اعاده کالا به وضع سابق برای صحت فسخ وجود ندارد. ماده ۴۲۹ ق.م. در مورد خیار عیب، حقی مشابه بند ۱ ماده ۸۲ کنوانسیون پیش‌بینی کرده، اما طبق ماده ۲۸۶ ق.م. در اقاله تلف مبیع مانع اجرای آن نیست. در نتیجه، در نظام حقوقی ایران، اثر فسخ عمدتاً به آینده نظر دارد و بازگشت کامل به وضع پیشین (اثر

⁴⁸ <https://www.unilex.info/cisg/case/244>

⁴⁹ کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، جلد پنجم، ۷۲.

⁵⁰ سید حسین صفایی، قواعد عمومی قراردادها، جلد دوم، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶، ۳۱۱.

⁵¹ صفایی، حقوق بیع بین المللی، ۱۸۰.

⁵² علی عباس حیاتی، «آثار فسخ در کنوانسیون بیع بین المللی کالا و حقوق مدنی ایران، مصر و فرانسه»، مجله دین و ارتباطات، ۱۵، ۱۳۸۱، ۸۵.

⁵³ حسینی مقدم، سید حسن، «مطالعه تطبیقی پیامد فسخ قرارداد در کنوانسیون بیع بین المللی کالا (۱۹۸۰ وین) و حقوق موضوعه کشور ایران»، مجله پژوهشنامه حقوق تطبیقی، ۱، ۱۳۹۸، ۵۰. Doi.org/10.22080/lps.2019.15835.1150

⁵⁴ هانولد، حقوق متحدالشکل بیع بین المللی کالا طبق کنوانسیون ۱۹۸۰ ملل متحد، ۵۵۷.

قهقرايي قوی) ضروری نیست؛ درحالی که کنوانسیون با تأکید بر اصل امکان اعاده، احیای کامل وضعیت پیشین را دنبال می‌کند.^{۵۵}

بر این اساس در حقوق مدنی ایران، تلف مبیع یا عدم امکان استرداد آن، مانع فسخ نیست، اما در کنوانسیون چنین مانعی وجود دارد، هرچند استثنائاتی بر آن وارد شده است.

مطابق استثنای اول، امکان فسخ برای خریدار در صورتی فراهم است که فعل یا ترک فعل وی منجر به عدم امکان استرداد کالا نشده باشد. این استثنا مبتنی بر اصل مسئولیت است و تضمین می‌کند که خریدار به خاطر حوادث غیرمترقبه یا تقصیر خود، حق فسخ را از دست ندهد.^{۵۶}

استثنای دوم هم مربوط به ماده ۳۸ کنوانسیون می‌باشد که در صورت از بین رفتن یا فاسد شدن کالا بر اثر آزمایش و بازرسی، خریدار حق فسخ نخواهد داشت.

استثنای آخر هم که به عقیده برخی صاحب‌نظران قدری نامتعارف جلوه نموده^{۵۷} مربوط به زمانی است که خریدار پیش از بررسی انطباق مبیع، در جریان عادی معاملات و یا استفاده از کالا، آن را به فروش رسانیده یا مصرف نموده و یا در آن تغییر شکل ایجاد شود که حق فسخ وی باقی خواهد بود. برخی تحلیل‌گران استدلال می‌کنند که این بند، با در نظر گرفتن واقعیت‌های تجارت و لزوم گردش کالاها، درصدد ایجاد تعادل میان حق فسخ خریدار و ضرورت امنیت معاملات است، هرچند ممکن است در مواردی به زیان خریداری تمام شود که بی‌تقصیر است.^{۵۸}

البته در حقوق ایران با توجه به این که تلف و نقص مبیع مانع فسخ نیست، نیازی به توسل به استثنائات مذکور نمی‌باشد. در خاتمه، رأی دادگاه فرانسه (۲۰۰۹) نقل می‌گردد: خریدار فرانسوی به دلیل معیوب بودن ماشین خریداری شده از فروشنده آلمانی، اعلام فسخ کرد. دادگاه بدوی به نفع خریدار رأی داد، اما دادگاه پژوهش با استناد به بند ۱ ماده ۸۲ رأی را معکوس کرد و اعلام داشت خریدار به دلیل استفاده ۵ ساله از ماشین، قادر به اعاده آن در وضعیت اولیه نیست.^{۵۹} این رأی به وضوح نشان می‌دهد که استثنای مندرج در بند ۲ (ج) ماده ۸۲ (استفاده در جریان عادی) در عمل چگونه تفسیر محدودکننده‌ای می‌یابد و بر اصل لزوم اعاده کالا در وضعیت اولیه تأکید دارد. رویه قضایی در تفسیر استفاده در جریان عادی اغلب سختگیرانه است و استفاده طولانی مدت (مانند پنج سال در این رأی) را عمدتاً خارج از حمایت این استثنا می‌داند، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.^{۶۰}

۲- شرایط فسخ قرارداد از سوی فروشنده

^{۵۵} شمس، مهري و جمشید نورشرق و احمد شمس و مهدی منتظر، «مقاله فسخ عقد قبل از رسیدن موعد اجرا بر اثر پیشبینی نقض در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین المللی کالا» - ۱۹۸۰ وین، مجله پژوهشنامه حقوق تطبیقی، ۲، ۱۴۰۱، ۱۰۱. Doi.1022080./LPS.2022.23400.1331

^{۵۶} حسینی، سید محمدجواد و ابراهیم عبدی پورفرد، «بررسی تطبیقی اعلان در قراردادهای بیع بین المللی کالا و حقوق ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی حقوق خصوصی، ۴۹، ۱۴۰۳، ۱۱۵. DOI: 10.22054/jplr.2025.82787.2889

^{۵۷} جمعی از نویسندگان، تفسیر بر حقوق بیع بین المللی، ۲۶۷.

^{۵۸} رفیعی، «بررسی تطبیقی ضمانت‌های اجرایی نقض قابل پیش‌بینی قرارداد در کنوانسیون بیع بین المللی کالا، اصول قراردادهای تجاری بین المللی و حقوق ایران»، ۵۲.

^{۵۹} <https://www.unilex.info/cisg/case/1491>

^{۶۰} رفیعی، «بررسی تطبیقی ضمانت‌های اجرایی نقض قابل پیش‌بینی قرارداد در کنوانسیون بیع بین المللی کالا، اصول قراردادهای تجاری بین المللی و حقوق ایران»، ۵۳.

ماده ۶۴ کنوانسیون، حق فسخ قرارداد را برای فروشنده در ساختاری متقارن با ماده ۴۹ (حق فسخ خریدار) پیش‌بینی کرده است.^{۶۱} این تقارن، بیانگر تعادل در ضمانت‌اجراهای کنوانسیون است، هرچند ماهیت متفاوت تعهدات طرفین و ضرورت امنیت تجاری، موجب تفاوت‌های محتوایی مهمی بین این دو ماده شده است.

۲-۱- نقض تعهد، نقض اساسی تلقی شود

همانطور که در بخش ۱-۱ اشاره شد، مفهوم نقض اساسی در ماده ۲۵ کنوانسیون تعریف شده است. با این حال، نقض تعهدات خریدار (عدم پرداخت ثمن، عدم قبض مبیع مطابق ماده ۵۳ یا عدم انجام سایر تعهدات) الزاماً نقض اساسی محسوب نمی‌شود و تشخیص آن حسب مورد است.^{۶۲} به تعبیر برخی نویسندگان در نقض اساسی قرارداد آنچه مهم می‌باشد این است که منفعت خاص مورد توافق در قرارداد به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته و حتی زایل شود؛ منفعتی که به طور واضح هدف اصلی قرارداد بوده است.^{۶۳}

این معیار محوری که بر محرومیت ذاتی از آنچه می‌بایست انتظار داشت استوار است، وجه تمایز اصلی نظام کنوانسیون از بسیاری نظام‌های حقوق داخلی، از جمله حقوق ایران، محسوب می‌شود.^{۶۴} در تشخیص نقض اساسی، آثار عملی نقض باید بیش از نوع تعهد نقض شده مورد توجه قرار گیرد. نقض یک تعهد اساسی لزوماً به نقض اساسی قرارداد نمی‌انجامد، و گاه نقضی جزئی با توجه به پیامدهای شدید آن می‌تواند اساسی تلقی شود. برای نمونه، تأخیر کوتاه در پرداخت ثمن ممکن است به طور معمول نقض اساسی نباشد، اما اگر این تأخیر در شرایطی رخ دهد که نوسانات شدید ارزی ارزش ثمن را به کلی از بین ببرد، می‌تواند نقض اساسی محسوب شود. این نگاه کارکردگرا و منعطف، تطبیق قاعده با واقعیات تجارت بین‌الملل را ممکن می‌سازد.^{۶۵}

با وجود ارائه معیارهای نوعی^{۶۶} و شخصی^{۶۷} برای قابلیت پیش‌بینی ورود خسارت از ناحیه نقض کننده قرارداد، باید توجه داشت که نقض عهد در صورت قرین بودن با علم واقعی به آثار آن به هنگام نقض، به دلیل برخورد با اصل حسن نیت که رعایت آن در ماده ۷ کنوانسیون الزامی دانسته شده، موجب مسئولیت طرف ناقض و تحقق نقض اساسی خواهد بود هر چند که این آثار به هنگام انعقاد غیر قابل پیش‌بینی بوده باشد.^{۶۸}

در حقوق ایران نیز مفهوم نقض اساسی صراحتاً پیش‌بینی نشده و رویکرد قانونگذار مبتنی بر اولویت اجرای عین تعهد است. مطابق ماده ۳۷۶ قانون مدنی، در صورت عدم پرداخت ثمن یا عدم تسلّم مبیع از سوی خریدار، ابتدا اجبار به انجام تعهد ضروری است و فسخ تنها به عنوان راهکار نهایی قابل مطالبه است. این نظام که بر اصل لزوم قراردادها استوار است، در عمل می‌تواند به طولانی شدن دادرسی و عدم وحدت رویه بینجامد. در مقابل، کنوانسیون با ارائه معیار نقض اساسی به عنوان یک خط قرمز روشن، به دنبال ایجاد قطعیت و پیش‌بینی‌پذیری بیشتر است، در حالی که حقوق ایران بر ارزیابی موردی دادگاه تکیه دارد.

^{۶۱} هانولد، حقوق متحدالشکل بیع بین‌المللی کالا طبق کنوانسیون ۱۹۸۰ ملل متحد، ۴۲۸.

^{۶۲} schlechtrime, Commentary on the UN convention on the International sale of goods, 490-491.

^{۶۳} میرزائزاد، اکبر، «بحثی پیرامون نقض اساسی قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین با مطالعه تطبیقی»، مجله دانشکده حقوق و علوم

سیاسی، ۵۸، ۱۳۸۱، ۳۰۴.

^{۶۴} شمس، «مقاله فسخ عقد قبل از رسیدن موعد اجرا بر اثر پیش‌بینی نقض در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا»، ۱۰۰.

^{۶۵} رفیعی، «بررسی تطبیقی ضمانت‌های اجرایی نقض قابل پیش‌بینی قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و حقوق ایران»، ۴۹.

^{۶۶} objective

^{۶۷} Subjective

^{۶۸} میرزائزاد، «بحثی پیرامون نقض اساسی قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین با مطالعه تطبیقی»، ۳۱۵.

حتی در استثنائاتی مانند خیار تأخیر ثمن (ماده ۴۰۲ ق.م.ا) که به بایع حق فسخ فوری می‌دهد، معیار صرفاً گذشت مدت زمانی مشخص بوده و فاقد ارزیابی کیفی از محرومیت اساسی از منافع قرارداد می‌باشد که مبین نگاه زمانی-شکلی حقوق ایران در تقابل با نگاه اقتصادی-کارکردی کنوانسیون است.^{۶۹}

۲-۲- عدم اجرای تعهد از سوی مشتری در مهلت اضافی

کنوانسیون در بند ۱ ماده ۶۳، این حق را به فروشنده داده است تا با اعطای مهلت اضافی به خریدار برای اجرای تعهد، خود را از الزام به اثبات نقض اساسی تعهد که حتی ممکن است رخ نداده باشد، رها سازد. (قسمت (ب) بند ۱ ماده ۶۴) این سازوکار که به اخطار و مهلت اضافی^{۷۰} شهرت دارد، ابزاری کارآمد برای ایجاد قطعیت در روابط طرفین است. فروشنده با تعیین مهلتی معقول و صریح، عملاً خریدار را در موقعیتی قرار می‌دهد که یا تعهد خود را انجام دهد، یا با انقضای مهلت، زمینه فسخ قرارداد توسط فروشنده را فراهم آورد.^{۷۱}

با وجود اینکه ماده ۹۳ کنوانسیون اعطای مهلت اضافی برای نقض کلیه تعهدات را مجاز می‌داند، قسمت (ب) بند ۱ ماده ۶۴، اعمال حق فسخ فروشنده از این طریق را صرفاً به نقض دو تعهد اصلی خریدار، یعنی پرداخت ثمن و قبض مبیع، منصوص نموده است.^{۷۲} این محدودیت عمدی مؤید آن است که کنوانسیون ضمانت اجرای قاطع فسخ را تنها برای نقش تعهدات حیاتی خریدار پیش‌بینی نموده و نقض تعهدات فرعی، صرفاً با سپری شدن مهلت اضافی، مجوز فسخ به فروشنده نمی‌دهد.

به اعتقاد برخی مفسران، با توجه به ماده ۵۴ کنوانسیون که تعهد خریدار به پرداخت ثمن را شامل اقدامات مقدماتی نیز می‌داند، قصور در گشایش اعتبار اسنادی بانکی نیز می‌تواند مبنای اعطای مهلت اضافی و فسخ باشد؛^{۷۳} این تفسیر موسع، منطبق با واقعیات تجارت بین‌الملل است، زیرا در بسیاری از قراردادهای، گشایش اعتبار اسنادی شرط لازم و مقدمه پرداخت محسوب می‌شود. قصور در انجام این تعهد مقدماتی، در حکم امتناع از پرداخت است.^{۷۴}

در تأیید این رویکرد، دادگاه داوروی وین (۱۹۹۷)، فروشنده اتریشی را پس از اعلام صریح خریدار لهستانی مبنی بر عدم ایفای تعهد (به دلیل ادعای عدم مطابقت مبیع) و رد ادعای خریدار، مجاز به فسخ قرارداد و مطالبه خسارت دانست. این رأی نشان می‌دهد اعلام صریح عدم ایفای تعهد در خلال مهلت اضافی، معادل عدم اجرا در پایان مهلت است و فروشنده را از اثبات عدم اجرای واقعی بی‌نیاز می‌کند.^{۷۵} همچنین تأکید دادگاه بر نقض تعهد قبض کالا (ماده ۶۰) حاکی از تفسیر موسع از شمول مهلت اضافی نسبت به کلیه تعهدات خریدار در ارتباط با تسلیم است.

راجع به اعطای مهلت از طرف فروشنده به خریدار برای اجرای تعهد، هر چند در قانون مدنی در این خصوص نصی وجود ندارد و فقط اعطای مهلت از طرف قاضی در ماده ۲۷۷ ق.م.ا پیش‌بینی شده است، ولی به نظر برخی اساتید، فروشنده چنین اختیاری دارد؛ زیرا این امر با هیچ یک از قواعد آمره مخالف نیست، ضمن این که در راستای قاعده تسلیط نیز می‌باشد.^{۷۶} اما اعطای مهلت

^{۶۹} ابهری، حمید و فرخنده روح الهی، «حق بایع برای رفع عیب مبیع در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ۱۶، ۱۳۸۸، ۳۲-۳۳.

^{۷۰} Nachfrist

^{۷۱} شمس، «مقاله فسخ عقد قبل از رسیدن موعد اجرا بر اثر پیش‌بینی نقض در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا»، ۱۰۴.

^{۷۲} Albert Kritzer, Guide to Practical Application of the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (Boston: Kluwer Law and Taxation Publishers, 1998), 425.

^{۷۳} هانولد، حقوق متحدالشکل بیع بین‌المللی کالا طبق کنوانسیون ۱۹۸۰ ملل متحد، ۴۲۹.

^{۷۴} حسینی، «بررسی تطبیقی اعلان در قراردادهای بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران»، ۱۱۵.

^{۷۵} <https://www.unilex.info/cisg/case/346>

^{۷۶} صفایی، حقوق بیع بین‌المللی، ۲۴۱.

در حقوق ایران فاقد آثار حقوقی مشخص و الزام‌آور نظیر کنوانسیون است و بیشتر اقدامی مساعدت‌آمیز یا تعلیق توافقی اجرا تلقی می‌شود. ایجاد حق فسخ برای فروشنده پس از انقضای مهلت، نیازمند احراز شرایط عمومی فسخ (مانند تخلف از شرط اساسی یا تحقق خیار تأخیر ثمن) است. بنابراین صرف اعطای مهلت، حق فسخ به فروشنده نمی‌دهد، مگر اینکه توافق ضمنی بر این امر استنباط گردد. در غیر این صورت، فروشنده باید ابتدا اجبار خریدار به پرداخت ثمن را بخواهد و در مرحله بعد حق فسخ خواهد داشت.^{۷۷} این رویکرد حقوق ایران که اولویت را به اجبار به اجرای تعهد می‌دهد، با فلسفه کنوانسیون تفاوت بنیادین دارد. کنوانسیون با سازوکار مهلت اضافی به دنبال ایجاد راهکاری سریع، کارآمد و قابل پیش‌بینی برای خاتمه قراردادهای اجرا نشده و آزادسازی طرفین است و کارایی و رهایی از بن‌بست اجرایی را بر حفظ ظاهری قرارداد ترجیح می‌دهد.^{۷۸}

۲-۳-۱ اعلام حق فسخ

همان‌طور که در بخش ۳-۱ به تفصیل بیان شد، ماده ۲۶ کنوانسیون اعلام فسخ را شرط نفوذ آن می‌داند؛ این رویکرد مبتنی بر نظریه وصول است که در ماده ۲۴ کنوانسیون برای اعلان‌های مرتبط با تشکیل قرارداد تصریح شده؛ به این معنا که اعلان فسخ زمانی مؤثر می‌شود که به اطلاع مخاطب برسد و صرف ارسال یا انشاء قصد فسخ کافی نیست.^{۷۹} در اینجا تأکید بر دو نکته قابل توجه است: اول، اعلام فسخ باید صریح و خالی از ابهام باشد و رفتار فروشنده نیز باید دلالت بر قصد فسخ نماید) هرچند اطلاع قبلی از قصد فسخ در مورد نقض اساسی لازم نیست.^{۸۰} دوم، اعلامیه فسخ توسط فروشنده باید خریدار را مطلع سازد که کالا را تحویل نخواهد داد یا در صورت تحویل، تقاضای استرداد آن را دارد.^{۸۱} نقطه افتراق بارز کنوانسیون با حقوق ایران در این است که به موجب ماده ۴۴۹ قانون مدنی، فسخ یک ایقاع است و با انشاء قصد فسخ‌کننده محقق می‌شود و نیازی به اعلان به طرف مقابل ندارد. اعلان تنها اثر آگاه‌سازی دارد و در صحت فسخ تأثیری نمی‌گذارد. این تفاوت ماهوی در دعاوی بین‌المللی حائز اهمیت است؛ زیرا فروشنده ایرانی که به استناد ماده ۴۴۹ ق.م. فسخ می‌کند اما به خریدار خارجی اعلان نمی‌کند، از منظر کنوانسیون فسخ او نافذ نبوده و خریدار همچنان می‌تواند به تعهدات خود استناد کند.^{۸۲}

۲-۴-۲ رعایت مهلت‌های قانونی

بند ۲ ماده ۶۴ کنوانسیون اشاره به محدودیت‌ها و مهلت‌های زمانی برای اعلام فسخ قرارداد دارد. بنا به نظر مفسرین کنوانسیون، در مواردی که پرداخت ثمن به صورت اقساط است و یکجا صورت نمی‌گیرد، تا پرداخت تمام اقساط آن، فروشنده حق فسخ را از دست نمی‌دهد.^{۸۳}

اما مهلت‌های اعمال فسخ در دو فرض پرداخت ثمن توسط خریدار و عدم پرداخت ثمن توسط وی متصور است. در فرضی که خریدار ثمن را پرداخته باشد، کنوانسیون حق فسخ فروشنده را محدود نموده است که فقط پیش از آگاهی از پرداخت می‌تواند فسخ کند و بلافاصله پس از آگاهی، حق فسخ را از دست می‌دهد.^{۸۴} این حکم که گاهی از آن به قاعده مرگ حق فسخ با پرداخت ثمن

^{۷۷} کاتوزیان، حقوق مدنی عقود معین جلد اول، ۲۱۳.

^{۷۸} حسینی مقدم، «مطالعه تطبیقی پیامد فسخ قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰ وین) و حقوق موضوعه کشور ایران»، ۴۷.

^{۷۹} حسینی، «بررسی تطبیقی اعلان در قراردادهای بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران»، ۱۱۰-۱۱۱.

^{۸۰} Kazimierska, The Remedy of Avoidance under the Vienna Convention on the International Sale of Goods, 141.

^{۸۱} هانولد، حقوق متحدالشکل بیع بین‌المللی کالا طبق کنوانسیون ۱۹۸۰ ملل متحد، ۲۵۰.

^{۸۲} حسینی، «بررسی تطبیقی اعلان در قراردادهای بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران»، ۱۲۲.

^{۸۳} Michael G. Bridge [United Kingdom], "Issues Arising Under Articles 64, 72 and 73 of the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods", Journal of Law and Commerce, no 25, (2005-2006), 411.

^{۸۴} schlechtrime, Commentary on the UN convention on the International sale of goods, 492.

یاد می‌شود، تجلی‌گر یک سیاست مهم در کنوانسیون است؛ فلسفه این قاعده، تأمین امنیت معامله و جلوگیری از بلاتکلیفی خریداری است که تعهد اصلی خود را انجام داده است.^{۸۵}

اما در فرضی که خریدار ثمن را نپرداخته است، قاعده‌تاً ناپستی محدودیتی برای فسخ قرارداد وجود داشته باشد، چراکه حق فسخ در صورت نپرداختن ثمن هیچ‌گاه از بین نمی‌رود. با این وجود قسمت (ب) بند ۲ ماده ۶۴ کنوانسیون مقرر می‌دارد حق فسخ ناشی از عدم قبض مبیع یا نقض سایر تعهدات (غیر از پرداخت ثمن) باید در مدت معقول از زمان اطلاع فروشنده از نقض اساسی یا انقضای مهلت اضافی اعمال شود. این قاعده از سوءاستفاده فروشنده از حق فسخ جلوگیری می‌کند. برای نمونه، اگر خریدار از قبض کالا امتناع کند و فروشنده ماه‌ها بدون اعلام فسخ صبر کند، این سکوت ممکن است به منزله اسقاط ضمنی حق فسخ تلقی شود. تعیین مدت معقول با توجه به نوع کالا (مثلاً فاسدشدنی) و عرف تجاری صورت می‌گیرد.^{۸۶}

در حقوق ایران، همان‌گونه که پیشتر بیان شد، قانونگذار برخی اختیارات را فوری و در سایر اختیارات اصل را بر بقای حق نهاده است. فوریت اختیارات به معنای «عدم تأخیر غیرموجه» است و با معیار شخص متعارف سنجیده می‌شود.^{۸۷}

با این حال کنوانسیون با تعیین سناریوهای مشخص و ضرب‌الاجل‌های عینی (قبل از آگاهی از پرداخت یا مدت معقول پس از نقض) امنیت حقوقی بیشتری ایجاد می‌کند، در حالی که حقوق ایران بر انصاف قضایی و ارزیابی موردی تکیه دارد.^{۸۸}

با توجه به نبود تعریف قانونی از نقض اساسی و پراکندگی اختیارات در حقوق ایران، دو رویکرد قابل تصور است: نخست، ارائه الگویی تفسیری برای محاکم (تست چهارمرحله‌ای در بخش ۳) که خلاً موجود را به طور موقت پر کند؛ دوم، اصلاح ساختاری قانون مدنی از طریق الحاق قاعده‌ای عام درباره نقض اساسی و تعدیل برخی اختیارات موجود مانند خیار تأخیر ثمن (ماده ۴۰۲) که در نتیجه‌گیری به صورت پیشنهاد دو ماده قانونی مشخص (۲۳۸ مکرر الحاقی و اصلاح ماده ۴۰۲) ارائه خواهد شد.

۳- الگوی عملی تشخیص «نقض اساسی» در نظام حقوقی ایران

همان‌گونه که در بخش‌های پیشین مشاهده شد، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا با ارائه مفهوم «نقض اساسی» در ماده ۲۵ و تکیه بر معیارهای عینی مانند «محرومیت اساسی از منافع مورد انتظار» و «قابلیت پیش‌بینی»، چارچوبی روشن برای تحدید حق فسخ ایجاد کرده است. در مقابل، حقوق ایران علی‌رغم پذیرش اصل استثنایی بودن فسخ، فاقد تعریف قانونی یا معیارهای عملی برای تشخیص مواردی است که نقض تعهد به اندازه‌ای شدید باشد که فسخ فوری را بدون نیاز به مهلت یا الزام به اجرا توجیه کند؛ فقدان آن که به صدور آرای متفاوت در موارد مشابه انجامیده است.

برای رفع این خلاً، این نوشتار با الهام از ماده ۲۵ CISG و با تطبیق آن با مبانی حقوق ایران (از جمله قواعد لاضرر، لزوم، ماده ۲۳۵ قانون مدنی پیرامون تخلف از شرط صفت، خیار عیب و رویه قضایی مرتبط با فوریت اختیارات)، تست چهارمرحله‌ای زیر را به عنوان الگوی عملی تشخیص «نقض اساسی» پیشنهاد می‌کند. این تست یک راهکار قضایی فوری و بدون نیاز به تغییر قانون است که محاکم می‌توانند از هم‌اکنون با استناد به قاعده لاضرر و مواد یادشده به عنوان الگوی تفسیری استفاده کنند. این تست خلاً فعلی را به طور موقت پر می‌کند، اما راهکار نهایی و دائمی، اصلاح قانون (الحاق ماده ۲۳۸ مکرر و اصلاح ماده ۴۰۲) است که در نتیجه‌گیری ارائه شده است.

^{۸۵} رفیعی، «بررسی تطبیقی ضمانت‌های اجرایی نقض قابل پیش‌بینی قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و حقوق ایران»، ۵۴.

^{۸۶} شمس، «مقاله فسخ عقد قبل از رسیدن موعد اجرا بر اثر پیش‌بینی نقض در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا»، ۱۰۷.

^{۸۷} صفایی، قواعد عمومی قراردادها جلد دوم، ۳۱۱.

^{۸۸} ابهری، «حق بایع برای رفع عیب مبیع در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران»، ۴۰.

۳-۱- تشریح تست چهار مرحله‌ای

مرحله اول: شناسایی «تعهد اساسی» مورد انتظار

دادگاه باید بررسی کند که آیا تعهد نقض شده از چنان اهمیتی برخوردار است که بدون آن قرارداد ماهیت یا هدف اصلی خود را از دست می‌دهد (جوهر قرارداد). ملاک تشخیص، محتوای قرارداد، عرف تجاری و قصد مشترک طرفین در زمان انعقاد است. پشتوانه این مرحله در حقوق ایران، مواد ۲۳۴ و ۲۳۵ ق.م. است؛ هنگامی که شرط صفت به گونه‌ای باشد که فقدان آن موجب اختلال اساسی در انتفای مقصود اصلی گردد، می‌توان آن را مصداق تعهد اساسی تلقی کرد. برای مثال، در بیع دستگاه تولیدی با مشخصات فنی معین، اگر کالای تحویلی فاقد آن مشخصات باشد، تعهد نقض شده اساسی است؛ اما اگر نقص تنها در یک قطعه یدکی فرعی باشد، اساسی تلقی نمی‌شود.

مرحله دوم: شدت محرومیت از منفعت قراردادی

پس از احراز اساسی بودن تعهد، دادگاه باید ارزیابی کند که نقض، متعهده را تا چه اندازه از آنچه به طور منطقی انتظار داشته محروم کرده است. این محرومیت باید چشمگیر و عمده باشد و صرف یک ناراحتی جزئی یا کاهش اندک منفعت کافی نیست. برای تعیین شدت، معیارهایی چون نسبت ارزش معیوب یا تأخیر به ارزش کل کالا، میزان انحراف از کیفیت استاندارد، قابلیت استفاده از کالا برای هدف مورد توافق، و هزینه و زمان مورد نیاز برای رفع نقص قابل استفاده است. در حقوق ایران، قاعده لاضرر مبنای این مرحله است؛ هرگاه نگهداری قرارداد مستلزم ضرر فاحش و غیرمتعارف باشد، زمینه برای فسخ فراهم است. برای مثال، تأخیر ۲۰ روزه در تحویل میوه تازه (کالای فاسدشدنی) معمولاً موجب محرومیت اساسی می‌شود، در حالی که همین تأخیر در تحویل ماشین‌آلات سنگین صنعتی، در صورت عدم شرط اساسی بودن زمان اجرا، به ندرت چنین اثری دارد.

مرحله سوم: قابلیت پیش‌بینی نتیجه برای متعهد (ناقص) در زمان انعقاد قرارداد

حتی اگر نقض اساسی و محرومیت شدید باشد، فسخ جایز نیست مگر اینکه نتیجه محرومیت برای متعهد در زمان انعقاد قابل پیش‌بینی بوده باشد. بار اثبات عدم قابلیت پیش‌بینی بر عهده ناقض است. معیار، شخص متعارف در جایگاه متعهد با در نظر گرفتن اوضاع و احوال مرتبط (نوع کالا، قیمت، هدف اطلاع‌داده‌شده) است. در حقوق ایران، این قاعده را می‌توان از مواد ۳۸۷ و ۳۳۱ ق.م. و رویه قضایی که به «علم و اطلاع» فروشنده توجه کرده، استنباط کرد. برای مثال، اگر خریدار به فروشنده اطلاع دهد کالا را برای پروژه ساختمانی با مهلت مشخص خریداری می‌کند، تأخیر قابل پیش‌بینی است؛ در مقابل، اگر بدون اطلاع‌رسانی برای مراسم عروسی خریده باشد، تأخیر یک هفته‌ای قابل پیش‌بینی نیست.

مرحله چهارم: عدم امکان جبران نقض بدون زحمت یا تأخیر غیر معقول

آخرین مرحله، بررسی امکان رفع نقض (تعمیر، تحویل جایگزین، تکمیل اسناد یا انجام تأخیری تعهد) در مهلتی معقول و بدون زحمت زیاد برای متعهده است. اگر جبران ممکن و معقول باشد، فسخ فوری مجاز نیست و متعهده ابتدا باید از طریق مهلت اضافی اقدام کند. این مرحله با رویکرد حفظ قرارداد در حقوق ایران سازگار است؛ هرچند قانون مدنی نهاد مهلت اضافی را پیش‌بینی نکرده، اما رویه عملی دادگاه‌ها و نظر مشهور فقها (مستفاد از مواد ۲۳۷ تا ۲۳۹ ق.م.) نشان می‌دهد فسخ راهکار نهایی است. برای مثال، اگر ماشین‌آلات با نقص جزئی قابل تعمیر در دو روز تحویل داده شود، خریدار حق فسخ فوری ندارد؛ اما اگر کالا کاملاً غیرقابل استفاده باشد و فروشنده نتواند تعمیر یا تعویض کند، فسخ بی‌درنگ مجاز است.

۳-۲- شواهدی از رویه قضایی ایران در جهت پذیرش تلویحی «نقض اساسی»

هر چند حقوق ایران فاقد تعریف صریح از نقض اساسی است، اما واکاوی دو رأی از دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران نشان می‌دهد رویه قضایی در موارد خاص، عملاً این مفهوم را به کار گرفته است.

رأی نخست، دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۲۱۳۰۶۰۱۰۰۰ مورخ ۱۳۹۴/۰۸/۱۰ شعبه ۶۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران است. در این پرونده، قراردادی منعقد شده بود که به موجب آن، خواننده متعهد گردیده بود در مدت معین و مقید (از تاریخ ۱۳۹۲/۰۶/۲۵ لغایت ۱۳۹۲/۰۷/۱۰) نسبت به ثبت سفارش خودروهای سنگین اقدام نماید. دادگاه تجدیدنظر با تأکید بر اینکه اجرای تعهد در زمان تعیین برای خواهان دارای وحدت مطلوب بوده است و انجام تعهد در خارج از مدت مقید مقصود طرفین نبوده، فسخ قرارداد را بدون نیاز به الزام به اجرا تأیید و رأی بدوی را که خواهان را به اجبار به اجرا ارجاع داده بود، نقض کرد. این رأی نشان می‌دهد تخلف از تعهد با وحدت مطلوب، فسخ مستقیم را جایز می‌دارد.^{۸۹}

رأی دوم، دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۳۸۰۰۰۳۱۱ مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۲۶ شعبه ۹۱ دادگاه عمومی حقوقی تهران (تأییدشده در دادگاه تجدیدنظر) است. موضوع این پرونده، قرارداد مشارکت در ساخت بوده که در آن مدت زمان اجرای عملیات ساختمانی ۱۵ ماه شمسی تعیین گردید. علیرغم گذشت حدود سه سال از انقضای مهلت، تنها ۴۵ تا ۶۵ درصد کار انجام شده بود. خواننده توقف عملیات از سوی شهرداری را عذر موجه (قوه قاهره) مطرح ساخت. دادگاه با رد این دفاع، استدلال کرد توقف ناشی از تخلفات ساختمانی برخلاف پروانه می‌باشد که ناشی از عملکرد پیمانکار و سازنده بوده است و فسخ قرارداد توسط کارفرما را تأیید کرد. این رأی از دو جهت اهمیت دارد: نخست، تأکید بر اساسی بودن مهلت مقرر (۱۵ ماه)؛ دوم، به کارگیری معیار «قابلیت پیش‌بینی» (مرحله سوم تست) از طریق رد قوه قاهره؛ زیرا عامل توقف متناسب به عملکرد خود پیمانکار بوده، بنابراین نتیجه نقض برای او قابل پیش‌بینی بوده است.^{۹۰}

دو رأی مذکور، نشان می‌دهند رویه قضایی ایران ظرفیت به کارگیری مفهوم نقض اساسی را بدون تغییر قانون دارد. محاکم در دعاوی فسخ ناشی از نقض تعهد می‌توانند با پیمودن گام‌های چهارگانه زیر تصمیم بگیرند: (۱) آیا تعهد نقض شده، بخش اساسی و بنیادین قرارداد است؟ (۲) آیا این نقض، متعهدله را به میزان چشمگیری از منفعت مورد انتظار محروم ساخته است؟ (۳) آیا این نتیجه در زمان انعقاد برای شخص متعارف در موقعیت ناقض قابل پیش‌بینی بوده است؟ (۴) آیا جبران نقض بدون زحمت یا تأخیر غیرمعقول ممکن است؟ اگر پاسخ سه مرحله اول «بله» و پاسخ مرحله چهارم «خیر» باشد، فسخ فوری بدون نیاز به مهلت اضافی مجاز است. در غیر این صورت، فسخ فوری مجاز نیست و متعهدله ابتدا باید از طریق الزام به اجرا یا مهلت اضافی اقدام کند. تأکید می‌شود این تست برای استفاده فوری طراحی شده است و تصویب مواد پیشنهادی در نتیجه‌گیری، در آینده نیاز به آن را مرتفع خواهد کرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

بررسی تطبیقی شرایط فسخ بیع در حقوق ایران و کنوانسیون وین ۱۹۸۰، ضمن نشان دادن اشتراکات بنیادین (استثنایی بودن فسخ و لزوم رعایت حدود آن)، افتراقات عمیق و ساختاری را آشکار می‌سازد. محور این تفاوت‌ها، مفهوم «نقض اساسی» قرارداد است. کنوانسیون با تعریف نسبتاً عینی در ماده ۲۵، معیارهای محرومیت اساسی از منفعت مورد انتظار و قابلیت پیش‌بینی را به عنوان سنگ محک اصلی معرفی کرده و با نهادهایی چون مهلت اضافی و مهلت معقول برای اعلام فسخ، چارچوبی روشن، قابل پیش‌بینی و کارآمد فراهم آورده است. در مقابل، حقوق ایران فاقد تعریف صریح و معیارهای عینی برای نهادی هم‌تراز با نقض

⁸⁹ <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/25957>

⁹⁰ <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/32582>

اساسی است. ضمانت اجرای اصلی نقض تعهدات، ابتدا الزام به اجرای عین تعهد و در مرحله نهایی، اعمال خیارهای پراکنده مبتنی بر فقه است. این وضعیت موجب ناهماهنگی رویه قضایی و عدم امنیت حقوقی می‌باشد.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، دو سطح پیشنهاد ارائه می‌گردد:

۱. سطح اول. راهکار فوری و قضایی (بدون نیاز به تغییر قانون)

در دعاوی فسخ بیع می‌توانند از «تست چهارمرحله‌ای» (بخش ۳ این مقاله) استفاده کنند. این تست با گام‌های مشخص (اساسی بودن تعهد، شدت محرومیت، قابلیت پیش‌بینی، امکان جبران) تشخیص عینی موارد نقض اساسی را فراهم می‌کند و تا زمان تصویب قوانین پیشنهادی، به یکسان‌سازی رویه قضایی و پر کردن خلأ موجود کمک می‌نماید.

۲. سطح دوم. راهکار ساختاری و بلندمدت (اصلاح قانون)

به منظور رفع دائمی خلأ قانونی، اصلاح قانون مدنی در دو محور زیر پیشنهاد می‌گردد:

الف- الحاق ماده‌ای به قانون مدنی در خصوص «نقض اساسی تعهد»

به منظور ایجاد معیاری عینی و قابل پیش‌بینی برای تشخیص موارد مجاز فسخ فوری قراردادهای بیع و سایر عقود معاوضی، پیشنهاد می‌شود ماده زیر به عنوان ماده ۲۳۸ مکرر^{۹۱} به قانون مدنی افزوده شود:

{ماده ۲۳۸ مکرر (الحاقی): در قراردادهای بیع و سایر عقود معاوضی، هرگاه یکی از طرفین تعهد اصلی خود را به گونه‌ای نقض کند که:

۱- آن تعهد، بخش اساسی و بنیادین قرارداد محسوب شود،

۲- طرف دیگر به میزان چشمگیری از منفعتی که به طور معمول و منطقی از قرارداد انتظار داشته، محروم گردد،

۳- این نتیجه در زمان انعقاد قرارداد برای شخص متعارف در موقعیت ناقص قابل پیش‌بینی باشد، و

۴- جبران نقض بدون زحمت یا تأخیر غیرمعقول ممکن نباشد،

طرف متضرر می‌تواند بدون نیاز به مهلت اضافی، قرارداد را فسخ کند. بار اثبات عدم قابلیت پیش‌بینی بر عهده ناقص است.

تشخیص تحقق شرایط فوق با توجه به نوع قرارداد، عرف تجاری و اوضاع و احوال پرونده توسط دادگاه صورت می‌گیرد.}

این ماده الهام گرفته از ماده ۲۵ CISG بوده و با اصول حاکم بر خیارهای در فقه امامیه (قاعده لاضرر و تخلف از شرط اساسی) سازگاری دارد. ماده مزبور نافی سایر خیارهای مندرج در مواد ۳۹۶ به بعد قانون مدنی نیست و در کنار آنها اعمال می‌شود. درج آن، ضمن پر کردن خلأ قانونی، به یکسان‌سازی رویه قضایی و افزایش امنیت تجاری کمک می‌کند.

ب- اصلاح ماده ۴۰۲ قانون مدنی (خیار تأخیر ثمن)

ماده ۴۰۲ قانون مدنی در حال حاضر به بائع حق فسخ فوری می‌دهد، صرفاً در صورت عدم پرداخت ثمن در مدت سه روز (در بیع نقدی) یا در صورت انقضای موعد بدون پرداخت (در بیع نسیه). این حکم فاقد هرگونه ارزیابی کیفی از شدت نقض یا قابلیت جبران است و در مواردی که تأخیر بسیار کوتاه و ناشی از عذر موجه یا نوسانات جزئی باشد، ممکن است به فسخ‌های ناروا و مغایر با اصل حفظ قرارداد منجر شود. از این رو، اصلاح ماده مذکور به شرح زیر پیشنهاد می‌گردد:

{ماده ۴۰۲ (اصلاحی): در بیع نقدی، هرگاه ثمن معامله نقداً پرداخت نشود و مدت سه روز بدون عذر موجه بگذرد، و در بیع نسیه، هرگاه خریدار در موعد مقرر ثمن را نپردازد، بائع می‌تواند معامله را فسخ کند. تبصره: هرگاه تأخیر به اندازه‌ای کوتاه و جبران‌پذیر باشد که در اوضاع و احوال عادی نقض اساسی قرارداد محسوب نشود، دادگاه با درخواست فسخ بائع، ابتدا به خریدار

^{۹۱} شماره پیشنهادی «۲۳۸ مکرر» با توجه به جایگاه آن در بخش شروط ضمن عقد (مواد ۲۳۴ تا ۲۴۵) انتخاب شده است تا دلالت بر قاعده عام بودن آن برای همه عقود معاوضی داشته باشد و با خیارهای خاص بیع (مواد ۳۹۶ به بعد) تداخل نکند.

مهلت معقولی (حداکثر ده روز) برای پرداخت اعطا می‌کند. در صورت عدم پرداخت در مهلت مقرر، حق فسخ برای بایع باقی خواهد بود. تشخیص نقض اساسی بر اساس معیارهای ماده ۲۳۸ مکرر (الحاقی) صورت می‌گیرد. { این اصلاح، رویکرد کنوانسیون (تقدم مهلت اضافی بر فسخ فوری) را با حفظ حقوق بایع، در نظام داخلی ایران نهادینه می‌کند. سایر پیشنهادها تکمیلی:

الف) پیشنهاد می‌گردد مقرره‌ای مشابه مواد ۴۷ و ۶۳ CISG در قوانین داخلی گنجانده شود تا متعهدله بتواند با تعیین مهلت اضافی معقول و انقضای آن بدون انجام تعهد، حق فسخ پیدا کند. ب) برای خیاراتی که قانونگذار شرط فوریت برای آنها ذکر نکرده (مانند خیار غبن)، می‌توان مهلت معقول مبتنی بر عرف و نوع قرارداد پیش‌بینی کرد. ج) در دعاوی دارای عنصر خارجی، قضاوت می‌تواند با استناد به اصل حاکمیت اراده (ماده ۱۰ ق.م. و برای تفسیر قصد طرفین، از معیارهای پذیرفته‌شده بین‌المللی (مانند CISG یا رویه داورهای بین‌المللی) بهره ببرند.

منابع

الف-فارسی

- ۱- ابهری، حمید و فرخنده روح الهی، «حق بایع برای رفع عیب مبیع در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ۱۶، ۱۳۸۸، ۲۹-۴۶.
- ۲- امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، جلد ۱، چاپ سی و دوم، تهران: کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۹۰.
- ۳- اسدی، محمدمهدی، «فسخ قرارداد به عنوان طریق جبرانی در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا»، مجله تمدن حقوقی، ۱۳، ۱۴۰۱، ۵۲-۳۱. Doi:10.22034/LC.2023.160272
- ۴- جبعی‌العاملی، زین‌الدین (شهید ثانی)، مسالک‌الافهام فی تنقیح شرایع الاسلام، جلد ۳، چاپ اول، قم: موسسه معارف اسلامیه، ۱۴۱۴ ه.ق.
- ۵- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق تعهدات، چاپ سوم، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۷.
- ۶- جمعی از نویسندگان، تفسیر بر حقوق بیع بین‌المللی، ترجمه دکتر مهربان داراب پور، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۴.
- ۷- حسینی مقدم، سید حسن، «مطالعه تطبیقی پیامد فسخ قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰ وین) و حقوق موضوعه کشور ایران»، مجله پژوهشنامه حقوق تطبیقی، ۱، ۱۳۹۸، ۶۴-۳۹. Doi.org/10.22080/lps.2019.15835.1150
- ۸- حسینی، سید محمدجواد و ابراهیم عبدی پورفرد، «بررسی تطبیقی اعلان در قراردادهای بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی حقوق خصوصی، ۴۹، ۱۴۰۳، ۲۸۸۹-۲۸۸۷. DOI: 10.22054/jplr.2025.82787.2889
- ۹- حیاتی، علی عباس، آثار فسخ در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق مدنی ایران، مصر و فرانسه، مجله دین و ارتباطات، شماره ۱۵، (۱۳۸۱).
- ۱۰- خیری جبر، علی و سید محمد مهدی قبولی درافشان و اعظم انصاری، «چگونگی اعمال فسخ در فرض نقض تعهدات قراردادی در کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰، حقوق ایران و حقوق عراق»، (فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۳، ۱۳۹۷)، ۱۱۴-۸۹.
- ۱۱- رفیعی، محمد تقی و منصوره حسینی، «بررسی تطبیقی ضمانت‌های اجرایی نقض قابل پیش‌بینی قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و حقوق ایران»، (مجله مطالعات حقوق تطبیقی، ۲، ۱۳۹۱، ۶۴-۴۱. Doi.org/10.22059/jcl.2012.32111
- ۱۲- سبزواری، محمدباقر (محقق سبزواری)، کفایه‌الفقهاء (کفایه الاحکام)، چاپ اول، قم: انتشارات مهدوی اصفهان، بی تا.

۱۳- شمس، مهري و جمشيد نورشرق و احمد شمس و مهدى منتظر، «مقاله فسخ عقد قبل از رسيدن موعد اجرا برائى پيشبيني نقض در حقوق ايران و کنوانسيون بيع بين المللى کالا ۱۹۸۰ وین»، مجله پژوهشنامه حقوق تطبيقى، ۲، ۱۴۰۱، ۱۲۰-۹۷. Doi.1022080./LPS.2022.23400.1331

۱۴- صفایى، سيد حسين، دوره مقدماتى حقوق مدنى، جلد دوم، قواعد عمومى قراردادها، چاپ پنجم، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶.

۱۵- صفایى، سيد حسين و نعمت اله الفت، اجراى اجبارى عين قرارداد و تقدم آن بر حق فسخ، مجله نامه مفيد (۱۳۸۹).

۱۶- صفایى، سيد حسين و محمود کاظمى و مرتضى عادل و اکبر ميرزائاد، حقوق بيع بين المللى، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۲.

۱۷- عدل، منصور (عدل السلطنه)، حقوق مدنى، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندى، ۱۳۸۹.

۱۸- عليزاده، يداله، حق فسخ ناشى از نقض قرارداد مطالعه تطبيقى، رساله دكتورى حقوق خصوصى، دانشكده حقوق دانشگاه تهران، با راهنمايى دكتوركاتوزيان، (۱۳۸۴).

۱۹- کاتوزيان، ناصر، قواعد عمومى قراردادها، جلد پنجم، چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامى انتشار، ۱۳۸۳.

۲۰- ناصر کاتوزيان، قواعد عمومى قراردادها، جلد سوم (تهران: شرکت سهامى انتشار، ۱۳۸۷).

۲۱- کاتوزيان، ناصر، عقود مدنى، عقود معين، جلد اول، چاپ هفتم، تهران: نشر گنج دانش، ۱۳۷۸.

۲۲- ميرزائاد، اکبر، بحثى پيرامون نقض اساسى قرارداد در کنوانسيون بيع بين المللى کالا ۱۹۸۰ وین، با مطالعه تطبيقى، مجله دانشكده حقوق و علوم سياسى، شماره ۵۸، (۱۳۸۱).

۲۳- نجفى، محمدحسن، جواهرالكلام، جلد ۲۳، چاپ هشتم، تهران: دارالکتب اسلاميه، ۱۳۶۵.

۲۴- هانولد، جان او، حقوق متحدالشکل بيع بين المللى کالا طبق کنوانسيون ۱۹۸۰ ملل متحد، ترجمه دكتور همايون مافى، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۴.

غيرفارسى:

17-Audit, (bernard), la vente International de merchandses, L.G.D.J., Paris ,1990.

18-Michael G. Bridge [United Kingdom], Issues Arising Under Articles 64, 72 and 73 of the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods, 25 Journal of Law and Commerce (2005-2006) 405-421

19-Huber, Peter & Mullis, Alastair, The CISG:A New Text Book for Student and Practitioners,European Law Publishers, 2007.

20-Anna Kazimierska [Poland (Thesis: Netherlands)]. The Remedy of Avoidance under the Vienna Convention on the International Sale of Goods, New York: Pace essay submission, 1999.

21-Kritzer ,Albert H, Guide to Practical Application of the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods, Boston, Kluwer Law and Taxation Publishers, 1998.

22-schlechtriem, peter, Commentary on the UN convention on the Intarnational sale of goods, translated by G.Thomas, Oxford university press, 1998.

23- <https://www.unilex.info/instrument/cisg>

24-<https://ara.jri.ac.ir/Judge/Index>